

ترتیب روحی و اجتماعی در اسلام

«در پرتو کتاب و سنت»
مرکز تحقیقات سنت و سیره نبوی

تألیف:

دکتر اکرم ضیاء العمری

مترجم:

محمد آزاد شافعی



عمری، اکرم ضیاء العمری
التربية الروحی و الاجتماعی فی الاسلام. فارسی
تربیت روحی و اجتماعی در اسلام در پرتو کتاب و سنت / تألیف اکرم
ضیاء العمری؛ مترجم محمد آزاد شافعی.
۳۳۶ ص. تهران: احسان، ۱۳۸۹.
ISBN: 978-964-356-753-8

فیبا.

موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)
موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام) -- جنبه های قرآنی
موضوع: اخلاق اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
شماره افزوده: شافعی، محمد آزاد، ۱۳۵۷ -- مترجم
۱۳۸۹ ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰
کتابخانه ملی ایران: ۱۹۷۳۱۴۳



تربیت روحی و اجتماعی در اسلام

- ✦ مؤلف: اکرم ضیاء العمری
- ✦ مترجم: محمد آزاد شافعی
- ✦ ناشر: نشر احسان
- ✦ چاپخانه: مهارت
- ✦ صفحه آوری: نادیا محمدی
- ✦ نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۹
- ✦ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
- ✦ قیمت: ۴۰۰۰ تومان
- ✦ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۷۵۳-۸



فروشگاه
سراسر - انتشارات - روزی - استانبول
مجموعه روزنامه، شماره ۲۱۹
لحس ۰۰۵۲۲۰۴

فهرست

۷۹.....	بحث پنجم: توبه.....
	فصل سوم: نقش عوامل دل‌نرمی در
۸۵.....	تربیت.....
۸۵.....	بحث اول: ذکر.....
۹۰.....	بحث دوم: شکر.....
۹۴.....	بحث سوم: دعا.....
۹۷.....	پاره‌ای از شرایط و آداب دعا.....
	باب دوم: تربیت با توجه به عقاید
	و خاصیت الگوپذیری انسان.....
۱۱۷.....	فصل اول: تربیت با توجه به ایمان به
۱۱۹.....	روز آخرت.....
	بحث اول: برانگیخته شدن پس از
۱۱۹.....	مرگ.....
	اثبات زندگی در عالم برزخ و عذاب
۱۲۶.....	قبر.....
۱۳۱.....	بحث دوم: شفاعت.....
۱۴۲.....	بحث سوم: بهشت.....
۱۴۷.....	بحث چهارم: آتش جهنم.....
	فصل دوم: تربیت با توجه به نمونه‌های
۱۶۹.....	والا و الگوپذیری از آنها.....
	بحث اول: چنگ زدن به قرآن و
۱۶۹.....	سنت.....

۱۸۳.....	بخش دوم: تربیت اجتماعی.....
۱۸۳.....	باب اول: فرد و خانواده.....
۱۸۵.....	فصل اول: تربیت فرد.....
۱۸۵.....	بحث اول: تربیت کودک.....
	بحث دوم: تربیت اجتماعی بر اساس
۱۸۹.....	حسن زیبایی دوستی.....

۷.....	مقدمه دکتر یوسف قرضاوی.....
۹.....	مقدمه مؤلف.....
۱۱.....	پیشگفتار.....

۱۷.....	بخش اول: تربیت روحی.....
۱۷.....	باب اول: تربیت با توجه به عبادت.....
	فصل اول: نقش فرائض و سنت‌ها در
۱۹.....	تربیت.....
۱۹.....	مشروعیت عبادت.....
۲۰.....	بحث اول: نماز.....
۲۵.....	بحث دوم: زکات.....
۳۱.....	بحث سوم: روزه ماه رمضان.....
۳۵.....	بحث چهارم: حج.....
۳۹.....	بحث پنجم: نماز شب.....
۴۴.....	بحث ششم: تلاوت قرآن.....
	فصل دوم: نقش عبادت‌های قلبی در
۴۹.....	تربیت.....
	بحث اول: محبت خداوند و راه رسیدن
۴۹.....	به دوستی او.....
۶۱.....	بحث دوم: حفاظت خدا از مؤمن.....
۶۶.....	بحث سوم: نیت.....
۷۰.....	بحث چهارم: توکل.....

اقتصادی.....	۳۰۱
بحث دوم: صدقه واجب و صدقه	
سنت.....	۳۰۶
بحث سوم: ایمان و ثروت.....	۳۱۴
بحث چهارم: دیدگاه مسلمان به نسبت	
تفاوت دارائی‌ها.....	۳۱۸
خاتمه: غربت مؤمن در دنیا و وعده‌های	
پروردگار به او.....	۳۲۳
فهرست منابع.....	۳۳۳

بحث سوم: احترام به دیگران.....	۱۹۹
بحث چهارم: شناخت مسئولیت‌های	
فردی.....	۲۰۹
بحث پنجم: امنیت فردی.....	۲۱۵
بحث ششم: حمایت اجتماعی از	
افراد.....	۲۲۰
فصل دوم: حمایت از روابط	
خانوادگی.....	۲۳۱
بحث اول: نیکی به پدر و مادر.....	۲۳۱
بحث دوم: صلّه رحم.....	۲۳۵
باب سوم: ایجاد امنیت اجتماعی.....	۲۴۱
فصل اول: تحکیم پایه‌های امنیت	
اجتماعی.....	۲۴۳
بحث اول: مسئولیت اجتماعی.....	۲۴۳
بحث دوم: پاس داشتن وحدت	
جامعه.....	۲۴۶
بحث سوم: تشویق مردم به همبستگی و	
پذیرش مسئولیت‌های یکدیگر.....	۲۵۱
بحث چهارم: تحکیم پایه‌های	
عدالت.....	۲۶۰
بحث پنجم: جلوگیری از استکبار.....	۲۶۵
فصل دوم: تلاش برای پاکسازی	
جامعه.....	۲۸۱
بحث اول: پخش کردن گناه و بدی حرام	
است.....	۲۸۱
بحث دوم: قضیه سرپرستی در جامعه	
اسلامی.....	۲۹۴
فصل سوم: رشد اقتصادی.....	۳۰۱
بحث اول: نگهداری ثروت و ایجاد رشد	

مقدمه دکتر یوسف قرضاوی

مدیر مرکز تحقیقات سنت و سیره نبوی

شکر و ستایش خدایی را که به فضل و نعمت او، کارهای نیکو به انجام می رسد همان خدایی که ما را به سوی این دین هدایت نمود و اگر راهنمایی او نبود ما راهیاب نبودیم. و درود و سلام بر پیامبری که به عنوان رحمت برای جهانیان و همه ی خلائق برانگیخته شد، همان سرور و امام و اسوه و حبیب ما، حضرت محمد مصطفی، و نیز درود و سلام بر آل و اصحاب و پیروان او که راه او را تا روز قیامت، به نیکی در پیش گرفتند.

اما بعد:

به حقیقت که سنت نبوی دریایی لبریز و مالا مال از لؤلؤ و گوهرهای گرانبهائی همچون ارزش های والای اخلاقی، افکار هدایت یافته، رفتارهای کریمانه، آداب و مفاهیم والا و بلندمرتبه، راهنمایی های خدائی و رویکردهائی مثبت برای انسان در زمینه های مختلف زندگی است. و هر انسان آگاه و متخصص در سنت، معانی و مفاهیمی را در آن می یابد که فکر را صیقل، قلب را غنی و برای عمل انگیزه ایجاد می کند و آدمی را بر می انگیزد که در این زمینه مطالبی را به نوشتار درآورد.

آری اگر می بینیم که دانشمندان عرصه فقه و قانون گذاری در سنت مسائلی را یافته اند که در نظر آنان، سنت را شایسته مرجع شدن برای قانون گذاری کرده و آن را در مرتبه بعد از کتاب خدا قرار داده است، از سوی دیگر می بینیم که دانشمندان و مردان راه دعوت و تربیت و علوم انسانی و اجتماعی نیز در سنت چیزهایی یافته اند که صندوق های علم آنان را لبریز از معارف و ارزش ها و قواعد و قوانین و موازین سنجش نموده است که این یافته ها راه را برای پیشرفت علوم آنان هموار می نماید، از انحراف به چپ و راست محفوظشان می کند و خود آنان و علوم شان را فقط به سوی صراط مستقیم رهنمون می گردانند.

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (انعام: ۱۵۳)

(و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راه‌های باطل پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد و این توصیه خداوند به شماست).

در بیان این مطلب دلیلی بهتر از این کتاب که هم اکنون به خوانندگان مؤمن تقدیم می‌داریم سراغ ندارم، یعنی کتاب (تربیت روحی و اجتماعی در اسلام) که مؤلف فاضل آن دکتر اکرم ضیاء العمری، سخت به آن مشغول بود. ما قبلاً نیز کتاب دیگر ایشان به اسم (سیره صحیح نبوی) را انتشار دادیم. وی در آن کتاب، به روش محدثین تحقیق کرده بود. تکیه گاه اصلی مؤلف در کتاب حاضر برای ارائه مطالب، قرآن کریم و سنت صحیح پیامبر ﷺ است و به صورتی دقیق از احادیث ضعیف پرهیز نموده است. زیرا هنگام بحث از برنامه‌های اسلامی نمی‌توان به حدیث ضعیف استناد کرد.

مؤلف کتاب به خاطر اصالتی که در فرهنگ اسلامی دارد و در زمینه دعوت و تربیت اسلامی خبره و کارآمد است و از توانایی خاصی در بحث و تحقیق و تجزیه و تحلیل مسائل برخوردار است، این شایستگی را یافته که مراد و منظور خود را با اصالت بنویسد و به وضوح از آن تعبیر کند و برای آن استدلالی قوی داشته باشد.

بر این اساس مرکز تحقیقات سنت و سیره دانشگاه قطر بسیار خرسند است که این تحقیق را منتشر سازد تا مسلمانان از آن نفع برده و محققان از سرچشمه‌های آن بهره گیرند.

از خداوند متعال خواستارم که مؤلف کتاب را به خاطر علم نافع که در این کتاب آماده کرده پاداش خیر دهد، خواننده را از آن بهره‌مند سازد و ناشر و همه کسانی را که در چاپ و آماده سازی آن دخیل بوده اند به اجر و پاداش رساند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای پروردگار جهانیان و درود بر اشرف پیامبران و بر آل و اصحاب او. اسلام پیروان خود را براساس وابستگی و تعلق به جامعه اسلامی پرورش می‌دهد، جامعه‌ای که ویژگی‌ها، خواص، الگوها، عادات و رسوم آن از کتاب و سنت سرچشمه می‌گیرد. البته توجه اسلام به تربیت اجتماعی منجر به نادیده گرفتن جنبه‌های فردی انسان نمی‌شود، بلکه اسلام به وجود آن معترف است و طوری آن را هدایت می‌کند که ابتکار خدمت به جامعه را به دست گیرد. در واقع اسلام برای پیروان خود رفتار اجتماعی سالم را ترسیم و چگونگی برخورد‌ها و موضع‌گیری‌های اجتماعی را از طریق تربیت دینی تعیین می‌کند. تربیتی که طبق آن مفاهیم اجتماعی اسلام را در ذهن نسل جدید تثبیت و حقوق و وظایف و خوبی‌ها و بدی‌ها را برای ایشان معین می‌کند. تربیت دینی مفاهیمی چون «همکاری با دیگران»، «دوستی و ارتباط متقابل» را در ذهن افراد تعمیق می‌بخشد. بدین خاطر است که افراد در جامعه اسلامی با مشکلاتی مانند کمبود روابط اجتماعی سالم روبرو نیستند در حالی که بسیاری از افراد در جوامع غربی به آن دچار شده‌اند.

پس تربیت اسلامی به تحکیم رابطه فرد مسلمان با جماعت مسلمانان اهتمام ویژه‌ای می‌دهد و این کار را از طریق بنیادی کردن مفاهیم «محبت و اخوت» به انجام می‌رساند. خداوند فرموده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰)

(به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند).

پیامبر ﷺ چنین فرموده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى»^۱

(مؤمنان در روابط دوستانه، مهربانگیز، محبت آمیز و عاطفی خود همانند اعضای یک

^۱ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۱۰، ص ۴۳۸، حدیث شماره ۶۰۱۱ و مسلم، ج ۴، شماره‌های ۲۰۰۰ و ۲۵۸۶، لفظ حدیث از مسلم است.

بدن مستند که هرگاه یکی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضاء بی قرار می گردند و بدن دچار تب می شود).

و نیز فرموده: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۱

(ایمان هیچ کدام از شما کامل نیست تا زمانی که آن چه را برای خود می پسندد برای برادر مؤمن خود هم بپسندد).

این حدیث که شرط کمال ایمان را غلبه بر حسد و کینه و نفرت قرار داده در نهایت به حیات اجتماعی، جمال روحی و به روابط اجتماعی شفافیت و گرمی می بخشد و درون همه ی افراد را با جلوه هایی از محبت و رحمت لبریز کرده و احساس نیاز به ارتباط و همکاری برای رویارویی با مشکلات زندگی و انجام مسئولیت ها را در آنها به وجود می آورد و همگی تحت عنوان شعاری قرار می گیرند که در حدیث شریف نبوی آمده است: (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)^۲.

(همه شما مسئول هستید و از شما در مورد مسئولیتتان سؤال خواهد شد.)
تحقیق و بررسی حاضر شامل دستورالعمل هایی اجتماعی است که در آیات و احادیث نبوی آمده و خالی از بحث های فلسفی و روش های مریبان مسلمانی است که ابتکارات خود را از یونان گرفته اند و پایبند نصوص کتاب و سنت نیستند.
بنده همچنین در تفسیر نصوص کتاب و سنت متعهد به فهم و برداشت سلف صالح بوده ام و مطلب را مطابق دلالت لغت، آن گونه که در عصر نزول قرآن رایج بوده، بیان کرده ام و از استناد به احادیث ضعیف پرهیز نموده ام.

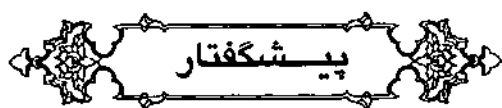
البته اگر ما در تحلیل مسائل تربیتی عصر حاضر براساس معیارهای واضح و آموخته های صحیح و رویکردهای سازگار با واقعیت های موجود در جوامع اسلامی پیش نرویم، تحلیلی ناقص خواهیم داشت. و هنگام وام گیری از تحقیقات غربی نباید فقط به نقل ابزارها، توجه به شکل بحث ها و طبیعت رویکردها اکتفا کرد... و این همان مسئولیت مهم مراکزی است که به تحقیقات جامعه شناسی و روان شناسی می پردازند.
و بانی توفیق فقط خداوند است.

اکرم ضیاء العمری

مدینه منوره - ۱۴۱۴/۴/۱۲ هـ. ق.

^۱ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۱، ص ۵۶، حدیث شماره ۱۳ و مسلم، ج ۱، ص ۶۷، و حدیث شماره ۲۵

^۲ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۲، ص ۳۸۰، حدیث شماره ۸۹۲ و ج ۹، ص ۲۹۹، شماره ۵۲۰۰ و مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۹، شماره ۱۸۲۹، لفظ حدیث از بخاری است.



قانون مهر

«الحمد لله رب العالمين، والصلاه والسلام على النبي الامين و على آله و صحبه اجمعين»
دين اسلام به عنوان رحمتی برای جهانيان فرود آمد، پس قانون مهر و دينی استوار است. خداوند چنین فرموده :

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ بقره: ۱۸۵
(خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته.)
محمد مصطفی نیز آن را چنین توصیف نموده است:
(بُعِثْتُ بِالْخَيْفِ السَّخِيحِ)^۱

(من با به همراه داشتن دینی حق گرا و توأم با مهر و بخشش برانگیخته شدم)
(إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يَشَادَ الدِّينَ أَحَدًا إِلَّا غَلَبَهُ، فَمَدَدُوا وَ قَارِبُوا وَ أَبْشِرُوا وَ اسْتَعِينُوا
بِالْفَدْوَةِ وَ الرُّوحَةِ وَ شَيْءٍ مِنَ الدَّلَاجَةِ)^۲

(دين آسان است و هرکس آن را بر خود سخت بگیرد سرانجام خسته و مستأصل خواهد شد پس در رفتار و کردار و اقوال خود معتدل باشید و راه راست و میانه را در پیش گیرید، شادمان باشید و از نشاط خود در اوقات مختلف شبانه روز برای عبادت بهره بگیرید.)

در این حدیث به سرشت اسلام، شمولیت آموزه‌های آن، وسعت اهداف و هماهنگی آن با فطرت انسانی، حدود توانائی‌ها و تنوع حالات او اشاره شده است. انسان گاهی رغبت

^۱ به روایت امام احمد در مسند ج. ۵، ص ۲۶۶

^۲ به روایت بخاری: فتح الباری، ج. ۱، ص ۹۳، شماره ۳۹

عبادت دارد و برای آن آستین بالا می زند و گاهی نسبت به انجام آن سستی می ورزد. بدین خاطر است که محمد مصطفی ﷺ پیروان خود را امر کرده که در دین «تَعَمَّقُ» نورزند؛ یعنی خود را به سختی نیندازند و با تکلیف زیاده و سخت گیری فراوان بر نفس، بار بیش از حد بر دوش خود نگذارند، آن هم در صورتی که سخت گیری شایسته‌ی آن حال و مقام نیست و نباید با گفته‌ها یا افعالی مشقت آمیز باعث ایجاد تنفر از عبادت و سستی در انجام آن شوند. چنین مسئله‌ای در احوال بعضی از مردم مشاهده می‌شود که گاهی به حدی به عبادت می‌پردازند که از مصالح و ضروریات زندگی هم باز می‌مانند، اما ناگهان نه تنها سنت‌های دین بلکه فرضیات و واجبات را هم رها می‌کنند. چنین افراط و تفریطی فقط زمانی اتفاق می‌افتد که طبع دین و سرشت انسانی، آن گونه که پیامبر ﷺ به آن اشاره داشت، مراعات نشده باشد.

اسلام از تکلف نهی می‌کند و می‌خواهد که نفس انسانی بر سرشت خود باقی بماند و با نرمی و مهربانی بر پله‌های کمال بالا برده شود. زیرا نرمش و مهربانی در هر امری باعث زینت آن می‌گردد.^۱

از این رو پیامبر اکرم ﷺ از زیاده روی و افراط نهی نموده و فرموده:

(خَالِكُ الْمُسْتَطْعُونِ)^۲

(افراط کاران هلاک شدند).

[از منظر کلام نبوی] «مُسْتَطْعُون» به کسانی گفته می‌شود که به خاطر عقیده با فطرت خود مخالفت می‌کنند و در این مسئله خود را از مردم جدا می‌سازند در حالی که اسلام به مراعات فطرتی که انسان بر آن سرشته شده توجه کرده و آرزوها و غرایز او را سرکوب ننموده است. بلکه آن را به سوی خیر و نیکی سوق داده و از شر و بدی منع نموده است.

اسلام این را نمی‌پذیرد که انسان مسلمان خود را از استراحت و غذا و ازدواج و یا خواب محروم دارد. چرا که خداوند انسان را با این سجایا خلق کرده و غرائز مختلفی را در وی سرشته و در او نیاز به آرامش و خواب و خوراک را قرار داده است.

محمد مصطفی ﷺ روش خود را در مورد شیوه زندگی کردن فرا روی اصحاب خود گذاشت و آنان را به پیروی از این روش بدون افراط و تفریط تشویق نمود. از انس رضی الله عنه روایت شده که: «سه دسته از مردم به خانه همسران پیامبر ﷺ آمدند و در مورد نحوه عبادت پیامبر ﷺ پرس و جو می‌کردند. پس از این که مطلع شدند، گویی با هم گفتگو

^۱ این مضمون در حدیث صحیح به روایت امام مسلم، ج ۴، ص ۲۰۰۴، شماره ۲۵۹۴ آمده است.

^۲ به روایت امام مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۵، حدیث شماره ۲۶۷۰

می کردند و چنین می گفتند: ما کجا و پیامبر ﷺ کجا؟ او با وجود این که خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بخشیده [تا این حد عبادت می کند]. یکی از آنان گفت: من از این به بعد در تمام طول شب نماز می خوانم و نمی خوابم. دیگری گفت: من هم از این پس همه روزها روزه می گیرم. شخص سوم هم گفت: من هم هرگز ازدواج نمی کنم. پیامبر ﷺ نزد آنان آمد و فرمود: «آیا شما چنین و چنان گفته اید؟ به خدا قسم من بیشتر از همه شما از خدا می ترسم و پرهیزکارترم، اما با این حال گاهی روزه می گیرم و گاهی نه، گاهی نماز شب می خوانم و گاهی می خوابم و با زنان هم ازدواج می کنم. هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست»^۱. آری پیامبر ﷺ این گونه از انحراف به سوی رهبانیت جلوگیری کرد و توضیح داد که شگنجه دادن نفس از طریق منع کردن آن از غذا و استراحت و آرامش، مورد پسند دین نیست. همچنین گوشه نشینی و خلوت و پرهیز از ازدواج هم پایه ای در دین ندارد، بلکه خوراک و استراحت، بدن را قوی و انسان را برای انجام طاعات و عبادات توانا می گرداند و ازدواج هم جامعه را قادر می سازد که از نیروهای انسانی لازم برای رشد و ترقی برخوردار باشد و با استفاده از اسباب فراهم شده توسط افراد، اندیشه ور گردد و پله های تمدن را طی کند و بتواند به هنگام مشکلات و گرفتاری ها از خود دفاع نماید.

پیامبر ﷺ به شدت خریص بود که امت اسلامی را بر مبنای شریعت و قانون توأم با مهربانی و آسان گیری بنا نهد و همه ی راه های انحراف و افراط را حتی در زمینه عبادت اصلاح گرداند، تا مبادا نفس انسان دچار سستی شود و در نتیجه از مسیر حق منحرف گردد. از حضرت عایشه (رض) روایت شده که یک بار پیامبر ﷺ به خانه رفته و زنی را نزد او دید. پیامبر ﷺ پرسید: این زن کیست؟ عایشه در جواب گفت: فلانی است، آمده تا کیفیت نماز خود را و این که شب ها عبادت می کند و نمی خوابد بازگو کند.

پیامبر ﷺ فرمود: «این کار را نکنید. شما فقط در حد توان مکلفید، به خدا قسم خداوند تا زمانی که شما از انجام عمل خسته نگردید، از پاداش دادن به اعمال خسته نمی شود. و محبوب ترین روش دینداری نزد او آن است که فرد دیندار پایدار و مداوم باشد»^۲.

پیامبر ﷺ به این شیوه میانه روی خود را در انجام عبادات تبیین کرد و از افراط و زیاده روی حتی در نماز هم نهی فرمود. زیرا افراط باعث خستگی و خستگی باعث ترک عمل و در نهایت قطع اجرو ثواب می گردد. پس مهم این است که انسان در انجام طاعت استقامت داشته و در تداوم کار قوی باشد، زیرا کار اندک و بادوام، بهتر از کار بسیار و منقطع است. لازم است که انسان مسلمان وضعیت روانی خود را هنگام انجام نمازهای سنت، تلاوت

^۱ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۹، ص ۱۰۴، حدیث شماره ۵۰۶۳

^۲ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۱، ص ۱۰۱، شماره حدیث ۴۳

قرآن و اذکار بسنجد. اگر با انجام آن‌ها آرامش و رغبت را در خود دید، پس بر انجام سنت‌های بیشتر اهتمام ورزد و اگر احساس ناتوانی و ضعف کرد به فرائض اکتفا کند. به همین صورت باید برای عبادات خود اوقات نشاط و فراغت فکر را انتخاب کند تا از عبادت لذت برد و دچار سستی نگردد؛ همانگونه که شخص مسافر برای حرکت و استراحت خود اوقات خاصی در نظر می‌گیرد. اوقات حرکت مؤمن نیز مطابق حدیث مذکور «غدوه» و «روحه» و «دلجه» است که به ترتیب عبارتند از: اول روز، آخر روز و آخر شب.

با در نظر گرفتن این اوقات برای حرکت می‌توان در سریعترین وقت به هدف دست یافت. پیامبر ﷺ در یکی از روزها وارد مسجد شد و با طنابی مواجه شد که میان دو ستون مسجد بسته شده بود. فرمود: این طناب چیست؟ عرض کردند: طناب زینب ام المؤمنین است، هنگامی که در نماز خسته می‌شود از آن استفاده می‌کند.

پیامبر ﷺ فرمود: لازم نیست، آن را بردارید، هر کس باید به هنگام نشاط نماز بخواند و اگر خسته شد بنشیند^۱. حافظ ابن حجر در شرح این حدیث گفته: «این حدیث شامل تشویق به میانه روی در انجام عبادت، نهی از زرقاوی در آن، امر به انجام عبادت در وقت نشاط، نهی از منکر با زبان و دست و جواز انجام نماز سنت در مسجد برای زنان است»^۲. طبق روایت جابرین سمره رضی الله عنه و خطبه پیامبر ﷺ در جمعه معتدل و در حد مناسب بود، نه کوتاه و نه طولانی. رسول خدا ﷺ از این که مسلمین در حالت غلبه خواب نماز بخوانند نهی نموده و فرموده: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يُصَلِّي فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ»^۳.

(هر کاد یکی از شما در حال نماز خواب آلود شد، باید بخوابد تا خواب از سرش برود/ سپس نمازش را بخواند).

یکی از اصحاب پیامبر ﷺ چنان گمان برده بود که ایستادن در نور آفتاب از سایه استفاده نکردن و سخن نگفتن با مردم جزو راه‌های نزدیک شدن به خداست و باید به ذکر خداوند اکتفا کند، او نذر کرد که چنین کند، اما پیامبر ﷺ به وی دستور داد که با مردم سخن بگوید [و نذرش را بشکند] زیرا نذر سکوت در اسلام عبادت نیست سپس به او امر کرد که هنگام نور آفتاب از سایه استفاده کند، چون شکنجه دادن جسم هم جایی در اسلام ندارد، بلکه اسلام مردم را تشویق کرده که جسم خود را قوی کنند. مؤمن قوی و توانا نزد خدا محبوب‌تر از مؤمن ضعیف است. و قدرت و توانایی اثر مهمی در جهاد و عبادت دارد. اصحاب پیامبر (رضوان الله علیهم) این مفاهیم را به خوبی فهمیده و کاملاً پایبند این

^۱ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۳، ص ۳۶، حدیث شماره ۱۱۵۰

^۲ ابن حجر، فتح الباری، ج ۳، ص ۳۷

^۳ به روایت بخاری: فتح الباری، ج ۱، ص ۳۱۳، حدیث شماره ۲۱۲ و مسلم در صحیح، ج ۱، ص ۵۲۳، حدیث شماره ۷۸۶، لفظ حدیث از بخاری است.

توجهات بودند و آن را به همدیگر سفارش می کردند. سلمان فارسی هنگام دیدار با ابودرداء - وقتی که پیمان برادری ایمانی بسته بودند - همسر او را دید که لباسی کهنه و بی زینت بر تن داشت. سلمان به او گفت: چه شده؟ چرا این گونه پوشیده ای؟ ام درداء گفت: برادرت ابودرداء تارک دنیا شده [و ما هم به فقر مبتلا شده ایم]. ابودرداء به خانه آمد و غذایی برای سلمان تدارک دید.

سلمان گفت: [تو هم] بخور. ابودرداء گفت: من روزه ام. سلمان گفت: تا تو نخوری من هم نمی خورم. در نتیجه ی اصرار سلمان، ابودرداء روزه را افطار کرد و خورد. به هنگام شب ابودرداء برای نماز شب بیدار شد. سلمان گفت: بخواب. بار دیگر خواست برای نماز برخیزد. سلمان گفت: بخواب. اما در آخر شب سلمان برخاست و به ابودرداء گفت: اکنون تو هم برخیز. و هر دو با هم نماز خواندند. سلمان به او گفت: [درست است که] خداوند بر تو حقی دارد، اما نفس و خانواده ات هم بر تو حقی دارند، پس حق هر صاحب حقی را ادا کن. ابودرداء نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را برایش تعریف کرد. پیامبر ﷺ به او فرمود: « سلمان راست گفته است ».

آری همه ی شواهد دوران نبوت بر آسان گیری شریعت و سهولت اسلام دلالت می کند.